بازخوانی پرونده جنایی

انتقام هولناک عروس از خانواده شوهرش

گروه حوادث/ فرناز قلعه دار: صبح یک روز تابستانی، بازپرس دادسرای جنایی تهران مثل هر روز وارد اتاقش شد تا به پرونده‌هایی که روی میزش قرار داشت رسیدگی کند. دقایقی از حضور بازپرس در اتاقش نگذشته بود که سرباز کلانتری با پوشه‌ای در دست اجازه خواست و وارد اتاق شد. زن جوانی هم پشت سرش ایستاده بود و رنگ به چهره نداشت. بازپرس نگاهی به برگه‌های داخل پوشه انداخت و سپس سر بلند کرد و رو به زن جوان گفت:«خانم چه اتفاقی افتاده؟ یعنی چی که اینجا نوشته چند نفر وارد خانه شما شده و بچه ۴ ساله خواهر شوهرت را کشته‌اند؟ شما کجا بودی؟ آنها چند نفر بودند؟ چطور وارد خانه‌ات شدند؟»

زن جوان که گریه می‌کرد با صدایی گرفته گفت:«آقای قاضی نمی‌دانم چه کسانی بودند؛ آمدند داخل خانه من و بچه‌ام را در حمام زندانی کردند و دختر خواهر شوهرم را خفه کردند و خانه را آتش زدند.»

بازپرس رضا هنرمند، رئیس اسبق شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران که هر لحظه از شنیدن حرف‌های زن جوان بیشتر تعجب می‌کرد، گفت:«من که متوجه حرف‌هایت نمی‌شوم، بیا بنشین روی صندلی و از اول توضیح بده ببینم چه اتفاقی افتاده است؟»

زن با رنگ و رویی پریده خود را به صندلی رساند و نشست، بعد با لکنت گفت:«بچه خواهر شوهرم پیش من بود، یعنی مادرش کارمند است و بچه را گه‌گاهی پیش من می‌آورد؛ البته بیشتر پیش مادرشوهرم می‌گذاشت اما آن روز مادرش هم کار داشت و نتوانسته بود بچه را نگه دارد، وقتی آن را به خانه ما آورد، من قبول کردم نگه دارم تا او برگردد، هر چند خودم هم یک بچه کوچک دارم و نگهداری از دو بچه سخت بود اما قبول کردم. حوالی عصر بود که دیدم زنگ خانه را زدند، فکر کردم خواهر شوهرم برگشته است، بدون اینکه بپرسم پشت در چه کسی است در را باز کردم، سپس در آپارتمان را باز گذاشتم اما چند ثانیه بعد ناگهان دو مرد سیاهپوش که صورت‌هایشان را بسته بودند وارد خانه شدند. با دیدن آنها زبانم بند آمده بود، حتی نتوانستم جیغ و فریاد کنم. آنها من و بچه‌ام را که در بغلم بود داخل حمام خانه انداختند و در را از پشت قفل کردند. بچه خواهر شوهرم خواب بود. هر چه به در کوبیدم و التماس کردم در را باز کنند، توجهی نکردند.

زن که انگار نفسش به شماره افتاده بود کمی سکوت کرد. بازپرس از سرباز خواست برایش آب بیاورد. زن کمی از آب را نوشید و دوباره به گریه افتاد. حدود نیم ساعتی در حمام بودم که شوهرم از راه رسید و ما را نجات داد. اما بچه مرده و در آتش سوخته بود.

بازپرس با شنیدن حرف‌های زن جوان به فکر فرو رفت، در همین موقع زن گفت:«من فکر می‌کنم این جنایت زیر سر عموی بچه باشد؛ او با برادرش مشکل داشت شاید خواسته انتقام بگیرد.»

در حالی که بازپرس هنرمند دستور تحقیقات در این پرونده را صادر می‌کرد از زن جوان خواست به خانه برگردد اما در دسترس باشد تا در صورت نیاز برای تحقیق به دادسرا بیاید. هر چند زن جوان سعی داشت موضوع را به گردن فرد دیگری بیندازد اما بازپرس که متوجه تناقض‌گویی‌های وی شده بود، دستور داد کارآگاهان او را تحت نظر بگیرند.

وقتی این زن از اتاق خارج شد، دقایقی بعد مادر طفل قربانی با حالی زار و نزار وارد اتاق شد. زن جوان که از مرگ تنها فرزندش شوکه بود، گفت:«شب قبل از حادثه با شوهرم که معتاد است جر و بحث کردم، چون خانواده‌اش به‌خصوص برادرش مرا خیلی اذیت می‌کردند. چند روز قبل هم برادرش به خانه ما آمد و جلوی اهل محل کتکم زد و تهدیدم کرد چنانچه از او شکایت کنم، زهرش را خواهد ریخت. با وجود این شکایت کردم و حالا مطمئنم که او با کشتن بچه‌ام از من انتقام گرفته است.»

بدین ترتیب دستور دستگیری و بازداشت مرد ۲۶ ساله صادر شد اما وی در بازجویی‌ها منکر قتل برادرزاده‌اش شد و گفت:«من با برادرم و همسرش اختلاف داشتم اما این دلیل نمی‌شود بخواهم بچه‌اش را بکشم. من او را خیلی دوست داشتم. قسم می‌خورم در آتش‌سوزی خانه آنها دخالتی نداشتم. وقتی برادرم و همسرش از من شکایت کردند از همان زمان با او و خانواده‌اش قطع رابطه کردم.»

با توجه به صحبت‌های مرد جوان، او بازداشت شد و بازپرس پرونده دستور بازداشت پدر مقتول را نیز صادر کرد و به تحقیق و بازجویی از او پرداخت اما هر چه از این پرونده و تحقیقات از مظنونان می‌گذشت، بازپرس پرونده بیشتر به بی‌گناهی آنها و دخالت زن‌دایی مقتول پی می‌برد تا اینکه بعد از ۲۴ ساعت از این جنایت، پدربزرگ این کودک با مراجعه به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در حالی که به بازداشت پسرانش اعتراض داشت، گفت:«آقای قاضی! من از زن برادر عروسم شکایت دارم. مطمئنم او عامل قتل نوه‌ام است چراکه به خاطر اختلاف‌های خانوادگی انگیزه کافی برای این جنایت را داشته است.» با استدلال‌هایی که پدربزرگ به بازپرس پرونده ارائه کرد، وی که تقریباً مطمئن شده بود عروس خانواده در این ماجرا نقش دارد، دستور بازداشت او را صادر کرد.

زن جوان که همچنان منکر ماجرا بود و با تناقض‌گویی قصد فریب و منحرف کردن مسیر تحقیقات را داشت، تحت بازجویی‌های فنی، تخصصی قرار گرفت و سرانجام ۹ روز پس از این حادثه لب به اعتراف گشود و جزئیات این جنایت هولناک را فاش کرد.

شیما با اعتراف به قتل بچه خواهر شوهرش گفت:«۱۶ ساله بودم که به زور مرا پای سفره عقد نشاندند. من علاقه‌ای به ازدواج با شوهرم نداشتم، در همان مدت عقد باردار شدم با اینکه دوست داشتم بچه‌ام را نگه‌دارم اما با فشار خانواده شوهرم مجبور به سقط جنین شدم، می‌گفتند آبرویمان می‌رود در حالی که من همسر عقدی او بودم. همیشه پیش خانواده شوهرم احساس سرخوردگی می‌کردم. پس از ازدواجم به خاطر رفتار نامناسبی که خانواده شوهرم از همان ابتدا با من داشتند، کینه آنها را به دل داشتم و این اواخر دیگر از خانواده شوهرم متنفر بودم. خانواده شوهرم به‌خصوص مادرشوهرم خیلی اذیتم می‌کردند. در جمع خانوادگی مدام تحقیر می‌شدم. آنها با من مثل یک خدمتکار رفتار می‌کردند با وجود آنکه خودم یک بچه شیرخواره داشتم، باید از بچه‌های خواهرشوهرهایم نیز نگهداری می‌کردم. یکی از خواهرشوهرهایم به علت بیماری روانی و افسردگی شدید در بیمارستان بستری بود و پسربچه بازیگوشش نزد من بود. نگهداری از دختر خواهرشوهر دیگرم هم به‌طور معمول بر عهده من بود. با این حال خانواده شوهرم همیشه از من طلبکار بودند. من خودم بعد از زایمان دچار افسردگی شده بودم و رفتار خانواده شوهرم نیز باعث تشدید این حالت‌ها شده بود، بنابراین وضعیت خوبی نداشتم. روز حادثه پسر خواهر شوهر دیگرم هم پیش من بود اما انگار آن بچه عمرش به دنیا بود چون پدر شوهرم به خانه ما آمد و بچه را با خودش برد. اگر او را نمی‌برد آنقدر ناراحت و عصبانی بودم که می‌خواستم او را هم بکشم. باور کنید دست خودم نبود و فقط می‌خواستم از خانواده شوهرم انتقام بگیرم!»

بازپرس هنرمند پس از اعتراف‌های زن جوان، وی را به اتهام قتل عمد بازداشت کرد سپس دستور داد وی برای انجام آزمایش‌های روانی به پزشکی قانونی فرستاده شود و سلامت روان او را بررسی کنند.

پس از تکمیل پرونده، متهم برای محاکمه به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری تهران رفت و گفت:«روز حادثه بچه خواهر شوهرم نمی‌دانست چه نقشه‌ای در سر دارم، به سمتش رفته و به شوخی گلویش را گرفتم و بعد خفه‌اش کردم. می‌دانستم اگر آنجا را به آتش بکشم همه عموی بچه را مقصر می‌دانند. از باک موتور بنزین تهیه کردم و روی جسد ریختم، سپس آن را به آتش کشیدم و بعد هم به حمام رفتم و در را بستم تا داستان ورود افراد ناشناس واقعی جلوه کند. من این بچه را کشتم تا وقتی بزرگ شد به سرنوشت من دچار نشود و آرزوی مرگ نکند.»

وی در بیان آخرین دفاعیاتش گفت:«تقاضای من از دادگاه این است که زودتر مرا اعدام کنند تا از این وضع راحت شوم. درخواستی برای بخشش و آزادی ندارم، چرا که برای من فرقی بین آزادی و اعدام وجود ندارد و هر روز در زندان آرزوی مرگ دارم.»

در پایان جلسه، قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری وی را به قصاص محکوم کردند اما چندی بعد زن جوان در زندان خودکشی کرد و پرونده این جنایت با مرگ وی بسته شد.

نکته

قوانین برداشت از حساب بانکی متوفی

گروه حوادث: برداشت از حساب بانکی متوفی فقط به دلیل وارث بودن، مجاز نیست و تعیین تکلیف موجودی حساب پس از فوت تابع مقررات مربوط به ترکه و حقوق همه وراث است.

یکی از سؤال‌های حقوقی که کاربرد زیادی دارد این است که آیا وارث می‌تواند از حساب بانکی متوفی برداشت کند؟ فوت صاحب حساب به معنای انتقال فوری و انفرادی موجودی حساب به یکی از وراث نیست و موجودی حساب بانکی متوفی، در چارچوب مقررات مربوط به ترکه و حقوق وراث تعیین تکلیف می‌شود. بنابراین در اختیار داشتن کارت بانکی یا رمز حساب، به تنهایی مجوز برداشت از حساب پس از فوت صاحب آن محسوب نمی‌شود.

گاهی پس از فوت یکی از اعضای خانواده، کارت بانکی و رمز حساب متوفی در اختیار همسر یا فرزندان قرار دارد و یکی از وراث تصور می‌کند می‌تواند برای تأمین هزینه‌های ضروری یا برداشت سهم الارث خود از حساب استفاده کند. با این حال، برداشت از حساب متوفی توسط یکی از وراث بدون رعایت تشریفات قانونی می‌تواند محل اختلاف و رسیدگی حقوقی یا کیفری قرار گیرد.

در چنین شرایطی، گردش حساب، تاریخ برداشت، میزان وجه و نحوه مصرف آن اهمیت دارد و اگر پیش از فوت نیز انتقال وجهی از سوی متوفی انجام شده باشد، صرف ثبت تراکنش برای تعیین ماهیت حقوقی آن کافی نیست و باید عنوان و علت انتقال با توجه به مدارک و شرایط بررسی شود.

با فوت صاحب حساب، موجودی حساب بانکی او جزو دارایی و ترکه متوفی محسوب می‌شود و تعیین تکلیف آن تابع مقررات مربوط به ترکه و حقوق ورثه است.

اگر برای هزینه‌های ضروری مربوط به متوفی یا ترکه مبلغی پرداخت کرده‌اید، رسیدها و مدارک پرداخت را نگهداری کنید تا در صورت نیاز، امکان اثبات و مطالبه هزینه‌ها وجود داشته باشد. اگر هم یکی از ورثه بدون توافق سایرین از حساب برداشت کرده است، مستندات برداشت را حفظ کنید؛ این اسناد می‌تواند در پیگیری حقوق سایر ورثه مورد استفاده قرار گیرد.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۴۷**

جدول عادی

افقی

۱- میوه‌ای محبوب - فروغ آفتاب
۲- دریافتن - غذایی آبدار - دختر
۳- فهرست - مقابل «پایین» - مسافر
۴- یازده! - اشعه مفید - شاعر بزرگ شیرازی
۵- محل تقاطع دو خیابان - اصطلاحی در هنرهای رزمی مانند کاراته - خودروی اسکیموها
۶- دیگدان - بالین، رختخواب - انتها
۷- کارآموز پزشکی - گاوباز - اولین فلز کشف شده
۸- فدراسیون جهانی کشتی - ماه میانی تابستان - لاابالی گری
۹- موضوع - درخشان - مکان‌ها، محل‌ها
۱۰- سازمان اقتصادی منطقه‌ای - گلی زینتی - آبی تیره
۱۱- سلطان موسیقی - رنگی نزدیک به سبز - تباه و اتلاف
۱۲- سرزمینی باستانی در آسیای صغیر - کلیسای اصفهان - حرف مفعولی
۱۳- حبل‌الورید - واحد بوکس - از هفت قلم آرایش قدیم بانوان
۱۴- ماه کارگری - نابودی - غیرمعمول، غیرمناسب
۱۵- بخت - سوگلی و محبوب

عمودی

۱- جامه ستور - خورشید - طلای قالبی
۲- پی جوی - صندلی محصل - کلمه ندایی شاعرانه!
۳- از عوامل در جا زدن! - اتوبوس فضایی - اول هر چیز
۴- جانی و آدمکش - دلیری، پردلی - عامل ریز بیماری‌زا
۵- صدمه - طبقه اول اعداد - ناپاکی
۶- ترشحات دهان - شالوده‌ها - الهه خورشید
۷- زیان - شهری تاریخی با جاذبه‌های گردشگری بسیار در آذربایجان شرقی - جاده شمالی
۸- چاه جهنم - عمران - بلادرنگ
۹- یکی از زیباترین شهرهای ایران - شاخه جوان - سیاه‌دانه
۱۰- حرف انتخاب - معلم دانشگاه - سمبل
۱۱- تعیین مقدار چیزی به صورت تقریبی - سنت - متضاد «ماده»
۱۲- برای تنظیم دقیق صدای سازها به کار می‌رود - وسیله آرایش مژه - بی معامله و راکد
۱۳- پیام‌رسان ایرانی - قشر - سود حرام پول
۱۴- جثه - بیماری عفونی شایع کودکان - مداوا
۱۵- آفت درخت - شهری زیبا در استان کرمانشاه - زن صومعه‌نشین

جدول ویژه

افقی

۱- سریالی با هنرنمایی فرهاد قائمیان - مطالعه و تحقیق مقدماتی
۲- فقر - واسطه صلح - زیر پا مانده
۳- حنا - ابزار راندن قایق - خاطره‌انگیز خانوادگی
۴- پرسفید - متحدالقول - نامی برای بانوان
۵- قیمت - تأیید پست اینترنتی - محلی تفریحی در شهر لاهیجان
۶- واسطه معامله - گازی بی‌رنگ و بی‌بو - گویشی در کشورمان
۷- آمدن بزرگان - به پایان رسیده - شیره خرما
۸- بانی - شکایت - سرشار
۹- سوپ ایرانی - گناهکار - اشاره جمع نزدیک
۱۰- ناسزا گفتن - پوشاننده - نام پسرانه
۱۱- بیماری تخریبی مفصل - هوای خنک - گنگ
۱۲- بخشش‌ها - ابزار در و پنجره - من و او
۱۳- نوعی گل رز که از آن گلاب می‌گیرند - ورزشی روی برف - درجه درجه
۱۴- غرور - جانورانی از رده بندپایان - مشهور
۱۵- آرامبخش - فیلم کاظم راست‌گفتار

عمودی

۱- دندان‌های نیش - نظاره کردن - تکیه‌کلام خودستا
۲- مشایعت - شهر استان خوزستان - بازداشت
۳- بین لگن و زانو - نشانی - از اصطلاحات دستور زبان فارسی
۴- پس و پشت - فهرست - شهری در ۳۰ کیلومتری شرق تهران
۵- حرف ۲۴ ام یونانی - نخ پیچیده شده - فیلم مسعود ده نمکی
۶- اهرمی زیر پای راننده - مواد مذاب آتشفشانی - الهه خورشید
۷- فالگیری - مخلوط ساختمانی - روشن
۸- حیوان درنده - نوعی قایق - خطا
۹- یاری دهنده - نوعی آنزیم - گیاه آپارتمانی
۱۰- رود «روسیه» - تارنما - جزیره استان هرمزگان
۱۱- دلچسب و خوشایند - کنایه و رمز - بی‌سابقه
۱۲- استانی در غرب کشورمان - دست راست - رخت و پارچه
۱۳- یدک‌کشی خودرو - ثروت، دارایی - آزرده و ناراحت
۱۴- پراکنده - هویدا - گلابی
۱۵- عددی ترتیبی - میوه‌ای روغن‌دار - لابد

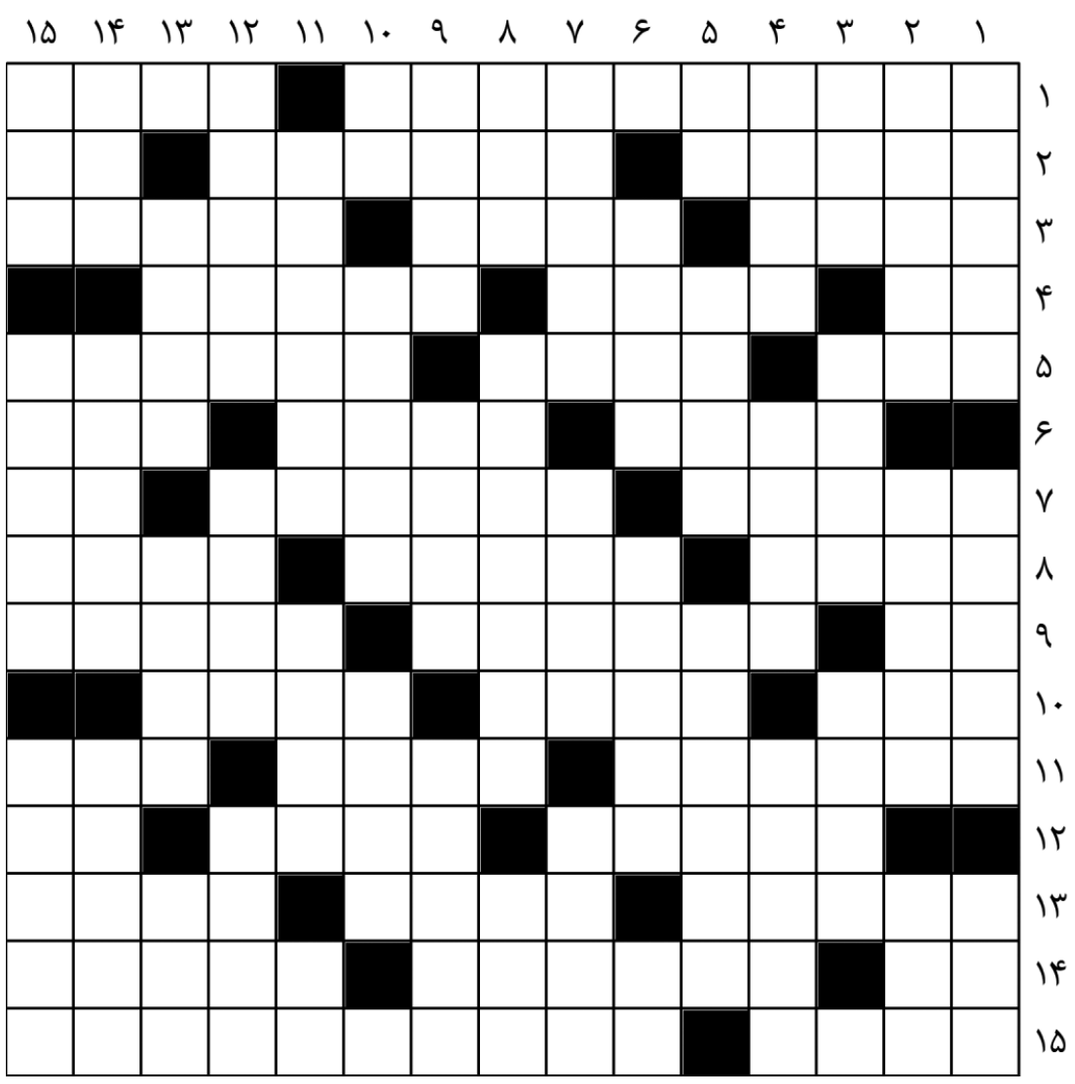

حل جدول عادی شماره ۹۱۴۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ی	ا	ه	ق	ل	م	■	ک	ت	ک	ا	ر	ی	
۲	ن	ا	د	م	■	م	ا	ی	ل	■	ن	و	ی	ر	
۳	ا	ش	ر	ا	ف	■	ز	و	ا	ل	■	ب	ا	ن	
۴	ی	ا	س	■	ش	ش	■	گ	ف	ت	ن	■	ل	ا	
۵	ی	ر	■	پ	ا	ن	د	ا	■	و	ا	ر	ش	■	■
۶	غ	■	ش	ه	ر	و	ا	■	ا	ن	م	ی	■	خ	د
۷	ز	ی	ا	ن	■	ا	ن	ا	ل	ی	ز	■	ا	ب	و
۸	ن	م	ن	ا	ک	■	ش	ی	ب	■	د	ی	و	ا	ر
۹	و	ی	س	■	ب	ا	چ	ن	ا	ق	■	ب	ا	ز	و
۱۰	ی	ن	■	ب	ر	ز	و	■	ل	ا	و	ا	ن	■	ز
۱۱	■	■	ز	ع	ی	م	■	د	و	ل	ا	ب	■	ت	د
۱۲	ب	د	ن	■	ت	ن	د	ی	■	ی	ل	■	م	ر	ی
۱۳	ن	ی	چ	ر	■	د	ر	د	ا	■	ی	ک	چ	و	ر
۱۴	ش	ا	ی	ا	ن	■	ی	ن	گ	ه	■	ف	ر	م	ت
۱۵	ن	ق	ر	ه	د	ا	غ	■	ر	و	ز	ش	م	ا	ر

حل جدول ویژه شماره ۹۱۴۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ی	ر	ا	ش	ک	ر	■	ت	و	ر	ب	و	چ	ت
۲	ن	ک	ا	ت	■	ک	ر	ت	ش	ن	چ	■	س	خ	ا	و	ت
۳	ا	س	ک	ا	چ	■	م	و	ل	ف	■	ت	ن	ی	ا
۴	خ	ر	د	■	ر	ه	■	ک	ی	ن	ه	■	■	ی	ا	ر
۵	ت	ه	■	د	و	ت	ا	ر	■	چ	م	ی	ل	■	■
۶	ش	■	م	ی	ک	ا	ب	■	خ	ا	س	ر	■	ر	ب
۷	ن	و	ی	ز	■	ک	ی	م	و	ن	و	■	ق	و	س
۸	ا	ر	ش	ی	و	■	د	و	ش	■	د	ی	ا	ب	ت
۹	س	و	ی	■	ا	ف	ر	ی	ن	ش	■	و	ا	ل	ا
۱۰	ی	د	■	م	د	ا	م	■	ا	ی	ش	ا	ن	■	ن
۱۱	■	■	ا	ی	ا	ر	■	ه	م	ر	ی	ر	■	س	ا
۱۲	م	ل	ح	■	ر	س	ت	م	■	ی	و	■	ب	ر	ف
۱۳	ل	و	و	ر	■	ی	و	گ	ا	■	غ	ش	ا	ی	ر
۱۴	ا	ل	ا	ی	ش	■	د	ی	م	ی	■	ق	ر	ش	و
۱۵	س	ا	ل	گ	ر	ب	ه	■	ل	ا	ک	ق	ر	م	ز